



من با مسئولان کشور ، با رئیس جمهوری محترم ، با مسئولان محترم دولت - چه اقتصادی و چه دیگران بارها این را تکرار کرده‌ام و گفته‌ام که نقطه بن‌بست شکنمان ، عبارت است از ایجاد اشتغال ، آن هم از منابع نو و تعاون ، می‌تواند یک بازوی قوی در این راه باشد.

به نظر من ، یکی از راه حلها و اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در این کشور برای استقرار عدالت انجام بگیرد ، تعاون ، است . این یک بعد قضیه است و خوشبختانه بعد دیگر قضیه هم این است که همین تعاون می‌تواند کشور را - بخصوص امروز - از لحاظ اقتصادی هم نجات بدهد.

نقش دولت در توسعه و رشد تعاونیها

در کشورهای در حال توسعه

نویسنده دکتر نادر سالار زاده استاد دانشگاه علامه طباطبائی

بخش تعاون در نظام اسلامی را محقق سازد . نظارت دقیق و آرایه آگاهی و اطلاع رسانی و مشاوره و عدم دخالت در کار تعاونیها از جمله مباحث جدی است که وزارت تعاون در پی ایجاد بسترهای آن است .

نقش دولت در توسعه و رشد تعاونیها در کشورهای در حال توسعه یک نقش ممتاز و برجسته است که در تحقیق آقای دکتر نادر سالار زاده به لحاظ اهمیت و کارکرد آن انتخاب شده است .

اشاره :

دولتها نقش بنیادین و محوری در تقویت و شکوفایی شرکتهای تعاونی دارند ، حاصل حمایت جدی و منطقی و عملی دولت منجر به ظهور توانمندیهای بالقوه و آزاد شدن انرژی ذخیره شده این شکل مشارکت اقتصادی می‌گردد بخش تعاون که بعنوان بخش مهم اقتصاد ملی در قانون اساسی تصریح شده است دولت را ملزم نموده است تا با سازکارهای مشخص و اتخاذ سیاستهای کارا ، اهداف

شرکتهای تعاونی در ممالک روبه رشد از برخی جهات با تعاونیهای کشورهای اروپایی و امریکای شمالی تفاوتهای اساسی دارند.

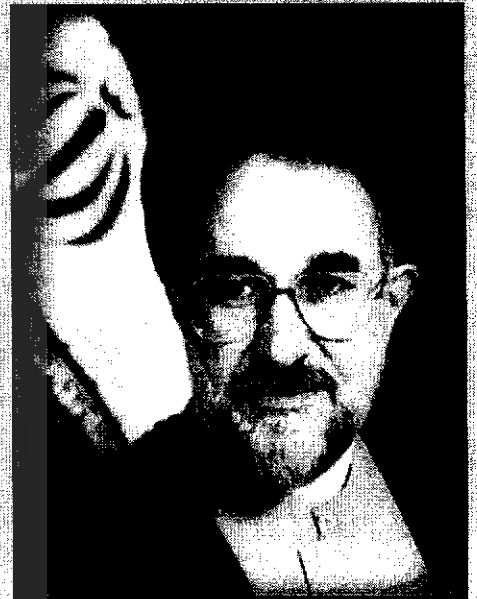
در کشورهای توسعه یافته شرکتهای تعاونی بصورت سازمانهای خودیاری و در دوران لیبرالیسم با اقتصاد باز و آزاد با برعکس وجود گذاردند یا به بیان دیگر شرکتهای تعاونی در زمانی تشکیل شدند که از دخالت دولت در امور تعاون سوای ایجاد زمینههای قانونی،

است به استقلال نهضت تعاونی لطمه وارد شود. اندیشه استقلال و خود مختاری تعاونیها و همچنین اصل خودیاری در شرکتهای تعاونی در دوران حکومت لیبرالیسم یک اصل و حکم قاطع و مورد قبول همه تعاونگران بود.

برعکس در اکثر کشورهای روبه رشد این واقعیت انکار ناپذیر تقریباً مورد قبول همگان است که برای توسعه امر تعاون، ابتکار عمل و دخالت دولت

که دولت هم در زمینه ایجاد شرکتهای تعاونی و هم از نقطه نظر حفظ و نگهداری جنبش تعاونی سهم عمدهای بعهده داشته و دارد. به همین جهت بخاطر اهمیت شرکتهای تعاونی به عنوان ابزار سیاست توسعه مخصوصاً از آن جهت در خور توجه است که نهضت تعاونی بصورتی جامع نه تنها در پی بهبود اوضاع اقتصادی ممالک روبه رشد است، بلکه علاوه بر آن برای بهبود وضع سیاسی، اجتماعی،

- دولت نباید به صورت متولی بر تعانیها اعمال قدرت کند بلکه با حمایت، نظارت و تقویت تعاونیها را برعهده داشته باشد.
- بخش تعاون باید تصویر مناسبی از امکانات و توانمندیهای خود برای حل مشکلات اقتصادی و ایفای نقش مؤثر در اقتصاد ملی به جامعه ارائه دهند.
- تصدی دولت باید در بخشهای مختلف برای نشاط جامعه کاهش یابد.
- تعاونیها زمینهایی را به وجود می آورند تا تنها دولت و مالکان سرمایههای کلان، مالک جامعه نباشند و سرمایههای کوچک نیز در درون تعاونیها مهم و امکان کارایی داشته باشند.
- بخش تعاونی باید در کنار بخشهای دولتی و خصوصی و در چارچوب برنامههای توسعه نقش مؤثر خود را در ساختار اقتصاد ملی به خوبی ایفا کند.
- طبق اصل ۴۴ قانون اساسی اقتصاد کشور از سه بخش دولتی، خصوصی و تعاون تشکیل شد ولی متأسفانه در حال حاضر بخش عمده اقتصاد کشور بر عهده دولت است.



فرهنگی و آموزشی این کشورها نیز در تلاش است. در رابطه دولت و تعاونیها از نظر میزان و درجه حمایت دولت از تعاونیها و ایجاد شرایط لازم سه مرحله زیرا می توان باز شناخت:

در اولین مرحله پیدایش و توسعه تعاونیها و برخوردار شدن جامعه از آثار مثبت و مفید اجتماعی آنها،

اصولاً امری اجتناب ناپذیر است. دراهایم با توجه به نتایج کنگره بین المللی تعاون که در سال ۱۹۵۷ در شهر ارلانگن Erlangen تشکیل شده بود در مورد لزوم همکاری بین دولت و نهضت تعاونی تاکید می کند که حتی آندسته از پیروان معتقد به اصل خود یاری در تعاونیها نیز اعتراف می نمایند

بر آن امتناع می شد در کشورهای روبه رشد برای توسعه امر تعاون اقدامات و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی از جانب دولت مورد انتظار بوده و هست.

در کشورهای پیشرفته، در اصل عقیده و نظر کلی عموماً مخالف با هر نوع همکاری تعاون با دولت بود، زیرا تصور می شد که به این ترتیب ممکن

برخورداری تعاونیها از امکانات فوق مطرح و ضروری می‌باشد، چه در غیر این صورت به دلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی نامساعد و امکانات نابرابری که در اختیار بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه قرار دارد تشکیل و گسترش آنها بدون حمایت و توجه دولت عملاً امکان‌ناپذیر است.

البته نوع رابطه دولت و تعاونیها باید یک رابطه متقابل باشد. به عبارت دیگر این رابطه را نباید یکطرفه در نظر گرفت. در این مرحله دولت از تعاونیها حمایت (مالی، اداری، آموزشی و تبلیغی) می‌کند تعاونیها نیز در قبال این حمایت‌ها باید در برابر دولت احساس مسئولیت کنند. البته این نوع رابطه (دولت و تعاونیها) جنبه ایستایی ندارد بلکه پویاست و قابل تغییر و دگرگونی است و شرایط اجتماعی آنرا تعیین و مشخص می‌کند. پس در مرحله اول ارشاد و حمایت دولت از تعاونیها و به وجود آوردن موقعیت مناسب برای تأسیس و توسعه آنها است. در این مرحله تعاونیها از امکانات و حمایت‌های لازم برخوردار می‌شوند. در ترتیب اولویتی این زمینه سازی و حمایت‌ها، موثرترین آنها ایجاد زمینه قانونی و حقوقی مناسب است که در قالب آن با توجه به شرایط جامعه تمام پیش‌بینی‌های لازم شده باشد. چنین قانونی که به دقت تدوین و تصویب گردیده و جامع و کامل است، اساس و بنیان سایر اشکال حمایت و از قبیل فعالیت‌های آموزشی و کمک‌های مالی، فنی در زمینه مدیریت و را تشکیل

می‌دهد. در این مرحله از رابطه دولت و تعاونیها، هدف نزدیک ساختن آنها به مرحله استقلال و خودکفائی مالی، آموزشی و تبلیغی است.

در مرحله دوم واگذاری امور و مسئولیتهای مختلف به عهده تعاونیها است و تنها به وظایف هدایتی خود به شرکتها ادامه می‌دهد با وجود این، این وظیفه در این مرحله نیز هدایت نسبی و

در رابطه دولت و تعاونیها
باید دقت کرد که دولت
و کفایت خود را در قبال
تعاونیها دارای و تسلیفی
مانند ایجاد تعاونیها،
برنامه‌ریزی در تعاونیها،
هدایت تعاونیها، حمایت
تعاونیها و بلاخره نظارت بر
تعاونیها و سعی باشد

محدود سازمانهای تعاونی که بنا به دلایل اقتصادی و اجتماعی، اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. در کشورهای توسعه یافته تدابیر و تدارکات هدایتی در لباس تسهیلات مالیاتی، کمک‌های مالی و دادن امتیازات مخصوص به شرکت‌های تعاونی تجلی می‌یابد. همچنین علاوه بر وظایف مقدماتی و هدایتی وظیفه حمایت از نهضت تعاونی ممالک در حال رشد نیز از جمله وظایف اساسی دولت در این کشورها بشمار می‌رود. با این حال اگر دولت در زمینه حمایت از شرکت‌های تعاونی اقدامی به عمل نیاورد و به بیان دیگر نسبت به مسائل شرکت‌های تعاونی بی‌تفاوت بماند طبقات مختلف

(بازرگانی و مالکین بزرگ) در بسیاری از موارد و مخصوصاً در مناطق روستایی بعلت برخورداری از موضع قدرت و با وسایل و امکاناتی که در اختیار دارند شرکت‌های تعاونی را از طریق تقلیل قیمت‌ها و یا پیش خرید محصول از کشاورزان و تدابیری از قبیل بانا کامی و شکست مواجه خواهند ساخت.

به این جهت در اکثر کشورهای روبه رشد علاوه بر کمک‌های مادی و مالی که در مرحله اول باید دولت در قبال تعاونیها به عمل آورد، در مرحله دوم به حمایت از شرکت‌های تعاونی در برابر مخاطراتی از این قبیل نیز پردازد. در این مرحله دولت باید امور و مسئولیتهای مختلف را به عهده تعاونیها واگذارد. و از این طریق بتدریج از بار دولت در قبال تعاونیها کاسته شود و بمرور، تعاونیها آمادگی و شرایط لازم را برای اجرای مستقل مسئولیتهای بدست آورند. البته این استقلال به یکبار بدست نمی‌آید، بلکه تابع شرایط اجتماعی و اقتصادی مناطقی است که شرکت‌های تعاونی در آنجاها مستقر می‌شوند. یعنی ممکن است در جامعه‌ای یا منطقه‌ای، تعاونیها در زمان کوتاه‌تری به مرحله خودکفایی و استقلال دست یابند و در کشورهای دیگر یا مناطق دیگری از یک کشور زمان بیشتری مورد نیاز باشد. هم چنین در خود تعاونی در ارتباط با بخش‌های مختلف مالی، آموزشی، مدیریتی نیز ممکن است نیاز باشد دولت از بخشی آورد و بخش‌های دیگر را بحال خود واگذارد

مرحله سوم مرحله خودکفایی و دوران استقلال تعاونیهاست که در این

مرحله تعاونیها طی مراحل اول و دوم با موفقیت به استقلال کامل خود در قبال دولت میرسند. در این مرحله تعاونیها مانند سایر سازمانها و موسسات موجود در جامعه، مستقلاً در چارچوب قوانین و مقررات کلی جامعه فعالیت می نمایند. در چنین شرایطی، طبیعتاً دولت بجز در موارد استثنایی تنها وظیفه نظارتی دارد. با توجه به این اصل تعاونیها سعی می کند به طور دقیق اصول و مقررات تعاون را رعایت کنند و خود دولت هیچ گونه دخالتی در امور مربوط به تعاونی نمی کند. در واقع در این مرحله این تعاونی است که با استقلال خود به دولت و سازمانهای دولتی کمک می کند و در شیوه تولید جامعه نقش خود را به طور شایسته ایفا می کند. شرط رسیدن تعاونیها به استقلال در این است که گذر از مرحله اول، دوم و سوم باید با دقت و پیش بینی های لازم همراه باشد در این صورت تعاونیها نخواهند توانست به مرحله سوم که همانا خودکفایی و استقلال نسبی اش است نایل آید. به عبارت دیگر در رابطه دولت و تعاونیها باید دقت کرد که دولت وظایف خود را در قبال تعاونیها دارای وظایفی مانند ایجاد تعاونیها، برنامه ریزی در تعاونیها، هدایت تعاونیها، حمایت تعاونیها و بلاخره نظارت بر تعاونیها و... می باشد درگیر شدن فزاینده دولت در امور تعاونیها و ناتوانی آن در خارج شدن از این ورطه، تعاونیها نهایتاً تبدیل به یک زاییده دولتی یا استحاله تعاونیها در دولت خواهند شد. چنین خطری در صورت عدم توجه و با در نظر نگرفتن

عوامل اجتماعی، فرهنگی، روانشناسی، اقتصادی جامعه و اعضای بالقوه تعاونیها بسیار زیاد است.

لذا برای احتراز از چنین وضعی لازم است که به دو شرط زیر تاکید نمود: نخست، در کشورهایی که به دلایل مختلف، دولتها خواستار کمک و هدایت واقعی به تعاونیها و استقلال آنها نبوده، بر عکس طالب وابستگی آنها به خود می باشد، این روند هرگز طی نخواهد شد. در همان مرحله باقی خواهند ماند و هر لحظه این وابستگی نادرست و مخرب برای تعاونیها می تواند تشدید شود.

دوم، دولتها باید برای عبور از این مرحله و نهایتاً رسیدن به مرحله آخر برنامه منظم و دقیقی داشته باشند. برنامه ای که در آن همانطوریکه اشاره شد، از همه عوامل موثر در پیشبرد هدف کمک گرفته شود و تقویت گردند، و متقابلاً کلیه پدیده های مانع و کند کننده از میان برداشته شوند.

همانطوریکه ملاحظه می شود، تکوین، آغاز و رشد تعاونی در کشورهای در حال توسعه نیاز به کمک همه جانبه دولتها دارد بدون کمک دولتها، تعاونیها در این نوع کشورها قادر به رشد و تکامل نخواهند شد. ابزارهای بسیار ضروری و مؤثر دیگر در ایجاد زمینه لازم برای رسیدن تعاونیها به استقلال واقعی، آموزش و تبلیغ است.

بدون کمک های دولتی آموزش و تبلیغ در گستره وسیع کارساز نخواهد شد. آموزش و تبلیغ در سطوح مختلف (کل افراد جامعه اعضای تعاونیها و مسئولین

آنها) و در زمینه های گوناگون (آموزش فنی و حرفه ای، حسابداری، انبارداری و سایر مهارت های مورد نیاز تعاونیها باید به اجرا در آید. نکته ای را که باید در آموزش و تبلیغ در نظر گرفت اینست که که آموزش و تبلیغ در مورد تعاونیها باید در سطحی وسیع تر (جامعه) نگریسته شود. آموزش و تبلیغ در صورتی می تواند مهم و مناسب باشد، که با بهترین روش برای پیشبرد آنها همراه شود. و آموزش و تبلیغ لازم و ملزوم همدیگر هستند. یعنی از طریق این دو روش باید در توده مردم نفوذ کرد، یعنی مزایای تعاونی را به مردم یاد داد و هم معرفی کرد. اشاعه روحیه تعاونی در ممالک روبه رشد مستلزم تجدید نظر کلی و ایجاد بهبود در آموزش تعاونی است و مخصوصاً فقدان آموزش صحیح تعاونی بزرگترین مانع شکوفایی نهضت تعاونی در ممالک روبه رشد بشمار می رود.

بهمین خاطر روحیه تعاونی مبتنی بر خودیاری و احساس مسئولیت باید هر چه بیشتر مورد توجه قرارگیرد و نسبت به اشاعه افکار و اندیشه های تعاونی اقدامات لازم به عمل آید.

منابع:

- ۱- انواع و کارکرد تعاونیها، دکتر حمید انصاری، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی
- ۲- محسنیان راد، ارتباط شناسی، انتشارات سروش چاپ اول ۶۹ ص ۲۲
- ۳- نهضت تعاونی در کشورهای در حال توسعه، سازمان مرکزی تعاونی کشور نشریه شماره ۱۰۷ ص ۲۵۸